



حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۴ خرداد ۱۳۸۹
۴ ژوئن ۲۰۱۰

خالد حاج محمدی
زنده باد کارگران
بنادر سوئد

در اعتراض به یورش جنایتکارانه نیروهای اسرائیلی به کشتی های امداد رسانی مردم غزه و کشتن و زخمی کردن تعدادی از امداد رسانی و بازداشت چند صد نفر باقیمانده، موجی از تنفر و اعتراض در سراسر دنیا علیه گردن کشی و قلدی دولت اسرائیل به راه افتاد. مردم معترض در تظاهرات خیابانی اروپا، امریکا، اسرائیل و خاورمیانه نفرت خود را از توحش آشکار دولت فاشیستی اسرائیل نشان دادند. اما در این میان تصمیم اتحادیه کارگران بنادر سوئد در بلوکه کردن کشتی ها و کالاهای اسرائیل نمونه بارز اعتراض طبقه کارگر با اتکا به قدرت خود بود. اتحادیه کارگران بنادر سوئد اعلام کرد: "حرکت کشتی ها و عبور کالا از و به به مقصد و از مبدا اسرائیل را بلوکه خواهد کرد. زمان پیش بینی شده برای این امر از ۱۵ تا ۲۵ ژوئن اعلام شده است. شرط تعیین شده برای عدم انجام این اقدام، بررسی حادثه، مجازات عاملان و مسببین این حادثه و لغو محاصره غزه از سوی اسرائیل عنوان شده است. مدیر اتحادیه بنادر سوئد که نصف کل کارگران بنادر سوئد را نمایندگی میکند گفته است: این اتحادیه با دیگر اتحادیه ها و سندیکاها در سطح بین المللی تماس گرفته و امیدوار است که صفحه ۲

حزب حکمتیست جنایت دولت اسرائیل علیه حامیان مردم غزه

بار دیگر دولت قوم پرست اسرائیل جنایت دیگری علیه حامیان مردم محاصره شده در نوار غزه آفرید. نیروهای اسرائیلی کشتی های گروه امداد، که حامل مواد کمکی به فلسطینیان محاصره شده در نوار غزه بودند را از هوا و دریا مورد حمله قرار دادند، حدود ۲۰ نفر از نیروی کمک رسانی به مردم غزه را به قتل رساندند، تعدادی را زخمی، و صدها نفر را زندانی کردند.

این جنایت دولت فاشیست اسرائیل با عکس العمل، خشم و انزجار جهانیان روبرو شد و موجی از اعتراض در مقابل سفارتخانه های اسرائیل در کشورهای مختلف پراه افتاد.

تعرض نیروهای اسرائیلی به کشتی های کمک رسانی به مردم غزه و قتل عده ای بیگناه، حمله ای که با تمام معیارهای ریاکارانه بین المللی و تخفیف های ویژه ای که دول غربی و نهادهای بین المللی به تروریسم دولتی اسرائیل میدهند از طرف قریب به اتفاق دولتهای اروپایی "غیرقابل قبول" خوانده شد، بار دیگر مسئله فلسطین و مجازات جمعی ساکنین غزه را در مقابل چشمان جهانیان قرار داد این حمله بار دیگر قصولت و بیرحمی جنون آمیز دولت اسرائیل علیه مردم محروم و بیگناه نوار غزه و حامیان آنها را در مقابل وجدان جهانیان قرار داد. این فاجعه بعلاوه ریا کاری دول غربی و حامیان دولت اسرائیل، و چهره کریه آنها را در توجیه جنایات چندین ساله اسرائیل، عیان تر کرد.

از دریچه این فقره از قتل و آدمکشی غیرقابل انکار دولت اسرائیل، بار دیگر مصائب و مشقات ساکنین غزه، مردمی

که به بهانه قدرت گیری حماس، دستجمعی، کودک و بزرگ، سالمند و سالم و معلول، روزانه مجازات میشوند، از زمین و هوا مورد حمله تانکها و بمب های دولت اسرائیل قرار میگیرند، و بالاخره در یک محاصره اقتصادی راه تامین نیازهای زندگی شان مسدود شده است، را در مقابل چشمان جهانیان قرار گرفت. دولت اسرائیل، به پشت گرمی و حمایت آمریکا، تلاش کرد این جنایت را به هر شکل توجیه کند.

این توحش علاوه بر ابعاد جنایتکارانه آن علیه مردم بیگناهی که برای کمک رسانی انسانی در دریای مدیترانه در حرکت بودند، بعد دیگری از ظرفیت تعرضی و گسترش دامنه تروریسم دولتی دولت قوم پرست اسرائیل را نشان داد. عملیات نظامی دولت اسرائیل در آبهای بین المللی، در "اروپا"، در منطقه خارج از کنترل سنتی دولت اسرائیل، و گسترش تحرکات نظامی آن ماورای صفحه ۲

جنبش بورژوا- لیبرال ایران از خرداد ۸۸ تا امروز



گفتگوی رادیو پرتو با کوروش مدرسی

ای که از شکست جنبش سبز صحبت می شد، تولد دیگری در راه است؟

کوروش مدرسی: ببینید، من فکر می کنم سبز انعکاس یک جنبش جا افتاده بورژوازی به اصطلاح لیبرال (تاجرستی - ریگالیستی) است و پشتش به یک بخش مهم بورژوازی ایران است که از بین رفتنی نیست. هم این جنبش و هم بورژوازی ای که منافع آن را نمایندگی میکند بخش لایتجزای بورژوازی ایران است. بخصوص بخش بزرگی از بورژوازی ایران است که نهاد هائی چون سپاه پاسداران محیط را بر سودآوری آنها تنگ کرده است. اینها هم می خواهند سود بیشتری ببرند و در تقسیم سود با شرایط

بهتری شریک باشند. بعید می دانم از بین بروند و تا وقتی جامعه ایران یک جامعه سرمایه داری است اینها از بین رفتنی نیستند. در نتیجه همیشه، و بخصوص تا زمانی که جناح مقابل قدرت را در دست داشته باشد، اینها همیشه فعال هستند و جنبشی را به راه می اندازند تا منفعت خودشان را حفظ کنند و جامعه را به سمت سیاهتلهایی به چرخاند که جنبش آنها را منعکس می کند. در نتیجه اصلا بعید نیست که سبز دوباره عروج کند. سبز نمرده بود که حالا از "تولد دیگری" صحبت کنیم. جنبش و طبقه ای که پیش از هر کس امپرش را به این حرکت بسته است در جامعه حی و حاضر است و خیلی هم قدرتمند است و خود را در اشکال مختلف بروز میدهد.

اینکه آیا سبز در همان ابعاد قبلی ابراز وجود خواهد کرد یا نه به این بستگی دارد که چقدر توده مردم

آوردن قیمت های تولیدات خود نیست. اگر مشکلی با توان پایین خرید مردم دارند در عدم فروش تولیدات خود است که این از تناقضات ذاتی نظام سرمایه داری است. در طرح و "تحقیقات" کمیته منبور نیز قرار نیست قیمت اجناس تولید شده در بازار پایین بیاید و این را بر مبنای قانون بازار گذاشته اند و نه تنها این بلکه درخواست کرده اند دولت در تعیین قیمتها دخالت نکند. لذا بر عکس ظاهر فریبنده ای که در گفتار کمیته اشاره شده است، کل مسئله آنها ارزان تمام شده قیمت تولید برای کارفرما است. این که برای این مسئله به پایین بودن توان خرید مردم اشاره خواهد شد صرفا شایعی و فریبکاری دولت و کمیته صفحه ۲

خالد حاج محمدی

طرح شیادانه آقایان بورژوا

از مدتی پیش دولت ایران طرحی را در دستور گذاشته و عده ای را برای یافتن "راهکارهای اجرایی برای کاهش قیمت تمام شده محصولات داخلی" به اسم "کمیته ملی قیمت تمام شده" سازمان داده است. این کمیته نتایج تحقیق خود را به دولت اعلام کرده است و به قول رئیس این کمیته "احمد نودانگه" بعد از توافق دولت طرح قابل اجرا است. در تحقیقات این کمیته و راهکارهایی که گذاشته اند و همچنین در توضیح ضرورت این کمیته

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد کارگران بنادر...

آنها نیز به این اقدام بپیوندند."

اقدام کارگران سوئد در شرایطی که دول غربی و شورای امنیت مشغول چرتکه انداختن دیپلماتیک و محاسبات ریاکارانه در مقابل این جنایت هستند، هنگامی که حقوق بشر و موازین بین المللی اعلام شده آنها در مقابل منافع و محاسبات سیاسی و بند و بستهای دیپلماسی شان بیش از پیش رنگ باخته است، هنگامی که نولتهای مرتجعی چون ایران این جنایت و محاصره اقتصادی مردم محروم و بیگانه نوار غزه را دستمایه افزایش کینه و نفرت مذهبی و قومی برای معاملات خود میکنند، کارگران بنادر سوئد، تنفر عمومی بشریت مدرن در سراسر جهان را از تروریسم دولتی اسرائیل، از رذالت دول غربی، از چهره کریه و ریاکار مراجع بین المللی بورژوازی را نمایندگی میکنند. کارگران بنادر سوئد اعلام میکنند که راه بشریت متمدن از راه همه ی این نیروهای ارتجاعی جدا است.

اقدام کارگران سوئد خاطره اقدام مشابه کارگران بنادر استرالیا در دوره جنگ خلیج و حمله به عراق، اقدام مشابه کارگران بندر بصره در عراق در دفاع از هم طبقه ایهایشان در فلیپین و حرکت کارگران نفت ایران علیه رژیم آپارتاید در افریقای جنوبی را زنده میکند. کارگران سوئد راه نشان دادند، راه طبقه کارگر و انسان مدرن در مقابل توحش افسار گسیخته دولت اسرائیل و در مقابل سیاست ریاکاری و حقه بازی دولت آمریکا و سایر نولتهای حامی اسرائیل و در مقابل نولتهای مرتجع اسلامی که رنج و محنت و فقر و محرومیت مردم فلسطین را دستمایه معامله و بند و بست خود کرده اند. نشان دادند که طبقه کارگر فقط با اتکا به قدرت خود در فلج کردن ماشین اقتصادی بورژوازی است که میتواند در جدال برای دفاع از انسانیت با قامتی رسا بایستد.

اقدام کارگران سوئد باید سرمشق قرار بگیرد و طبقه کارگر باید از این تجربه و از تجارب کارگران بنادر استرالیا، کارگران بصره در جنوب عراق و کارگران نفت ایران، در اتحاد انترناسیونالیستی خود برای مقابله با تعرض بورژوازی به این طبقه و در جدال و مبارزه طبقاتی خود استفاده کند. امروز طبقه کارگر جهانی در اعتراض و مبارزه خود علیه یورش بورژوازی به سطح معیشت خود بیش از هر زمان به چنین اقدامات ارزشمندی نیازمند است.

جنایت دولت اسرائیل

حوزه ای که در خاورمیانه بدون هیچ حد و مرزی در اختیار اسرائیل و سیاست های تروریستی اش علیه مردم فلسطین قرار داده شده، به این جنایت ابعاد دیگری بخشیده است. این بعد، روابط دول اروپایی و آمریکا بعنوان حامی درجه اول اسرائیل، را تحت تاثیر قرار داده است و آنها را در منگه و باطلاق و لجنزار تروریستی که در خاورمیانه دامن زده اند، گرفتار کرده است. حمله با برنامه، آگاهانه، و طرح از قبل مهندسی شده دولت اسرائیل در تعرض نظامی به کاروان کمک رسانی به مردم غزه، بعلاوه زنگ خطری برای حامیان مرتجع آن در غرب در کنترل افسار گسیخته تروریسم دولت اسرائیل، را به صدا در آورده است.

نباید اجازه داد قربانیان کمک رسانی به مردم غزه، و ساکنین محاصره شده در نوار غزه، بار دیگر قربانی معاملات دول اروپایی و آمریکا، و بده بستان های دیپلماتیک آنها با دولت اسرائیل شوند. نباید اجازه داد دول اروپایی و آمریکا که از مهارت تمام در لگدمال کردن حقوق ابتدایی مردم در خارج از اروپا برخوردارند، با پیمانال کردن زندگی قربانیان این جنایت، دولت اسرائیل را باز مورد حمایت قرار دهند.

مسئولین جنایت علیه فعالین و امدادگران، قاتلین مردم بی گناهی که برای کمک رسانی انسانی در آبهای مدیریتانه در حرکت بودند، باید محاکمه شوند و پاسخگوی جنایتشان باشند. دولت اسرائیل باید بلاواسطه به محاصره اقتصادی غزه پایان دهد. این حداقل خواستی است که باید در مقابل این تعرض به دولت اسرائیل و حامیانش در غرب تحمل کرد.

دولت اسرائیل باید بلافاصله به سرکوب مردم فلسطین و بیحقوقی رسمی آنها پایان دهد. تنها اعلام فوری صلح و ایجاد یک دولت فلسطینی در جوار اسرائیل، حاکمیت دو دولت غیر قومی، غیر مذهبی و سکولار در اسرائیل و فلسطین میتواند به این تروریسم رسمی که ریشه در نفرت قومی و مذهبی، شکاف جهان عرب و یهودیت دارد، پایان دهد. کینه و نفرت قومی که بیش از هر چیز وسیله حفظ سلطه ارتجاعی دول بورژوازی در خاورمیانه است. تنها ایجاد دو دولت سکولار، غیر مذهبی و غیر قومی در فلسطین و اسرائیل میتواند شرایط را برای مردم و طبقه کارگر در فلسطین برای دستیابی به آزادی و برابری، در اتحاد با طبقه کارگر در اسرائیل فراهم کند.

طرح شیادانه آقایان....

ملی آن را میرساند.

راه حلهای اعلام شده کمیته منبور که از زبان رئیس آن اعلام شده است، باز گذاشتن بیش از پیش دست کارفرمایان در اخراج کارگران، باز بودن دست سرمایه داران در زدن ساعت کار کارگران بر مبنای نیازهای خود و سرانجام بازنگرگی در نحوه تعیین دستمزد است که همان پلین آوردن مزد کارگران میباشد. کار این کمیته محترم و طرحی که اعلام کرده است در واقع تعرض به معیشت طبقه کارگر، ارزان فروشی و باز ارزاتر کردن کالائی است که منبع سود کارفرمایان و منبع اصلی درآمد آنها است و آن نیروی کار کارگر است.

دست گذاشتن این کمیته بر یک حقیقت آشکار که مردم توان خریدشان پلین آمده است، نشانه اوج شیادی آنها، پختگی و تجربه آنها در فریب مردم و تلاش برای تحمیق آنها است. انگار عامل بی پولی مردم و گرانی بازار طبقه کارگر است و گویا بالا بودن مزد کارگر باعث گرانی در جامعه و ناتوانی مردم در خرید است. انگار این طبقه کارگر نیست که توان خریدش از همه اقشار و طبقات دیگر پلین تر و در شرایط اقتصادی و مالی وخیمتری قرار گرفته است.

بی شک شیادی این نوکران سرمایه و رنگ باختگی تاکتیکها و فریبکاریهای آنها در میان مردم محروم بیش از آن است که کسی برای دلسوزانندانش پیشیزی ارزش قائل باشد.

اما در همان حال اقدامات دولت سرمایه داران و رئیس جمهور و کمیته منبورشان هشداری به کل طبقه کارگر ایران و خصوصا به پرولتاریای صنعتی ایران است. کمیته ملی بسیار سریع و بی پرده و بی شرم در چشم میلیونها انسان کار کن این جامعه و مردم محروم نگاه میکند و همراه دولتشان طرح تحمیل بار بحران اقتصادی خود را بر شانه های طبقه کارگر میگذارند تا به قیمت استثمار باز هم بیشتر این طبقه، سود حاصل از کار کارگر افزایش یابد و سرمایه داران پول بیشتری به جیب بزنند.

پس زدن این تعرض بدون تردید در گرو به میدان آوردن نیروی کارگران در مراکز اصلی تولیدی است که شاهراه اقتصاد و سود سرمایه داران را در دست دارند. آنچه باعث شده است نمایندگان دولت سرمایه داری ایران با این پروروئی و وقاحت و علیرغم زندگی زیر خط فقر بخش اعظم طبقه کارگر

اعلام کنند که دستمزدها را میزنند و اخراج کارگران را عادی تر از این هم میکنند، تنها به دلیل عدم آمادگی صفوف این طبقه برای اتحادی سراسری و بستن سنگری محکم در دفاع از زندگی خود است. کلید این مسئله در دست کارگران آگاه و فعالین دلسوز طبقه کارگر است. آنها هستند که با وصل شدن و متحد شدن خود، با پیوستن زنجیر وار در شبکه های و جمع ها و محافل مختلف، پیوستگی و ارتباط بخشهای مختلف و مراکز مختلف کارگری را ایجاد میکنند. طبقه کارگر هیچ راه دیگری جز اتکا به اتحاد صفوف خود، جذب بالا بردن خودآگاهی طبقاتی صفوف خود از جمله به توان و قدرت متشکل خود ندارد. بستن سد در مقابل تعرض دشمنان طبقه ما بدون برداشتن قدمهای جدی در حل این معضل ممکن نیست.

برنامه های هفته حکمت

گوتنبرگ: شنبه ۵ و یکشنبه ۶ ژوئن

چادر و میز کتاب آثار حکمت در مرکز شهر برونز پارکن

جمعه ۱۱ ژوئن

سخنرانی:

رحمان حسین زاده بزهای پلایه ای

کمونیسم کارگری منصور حکمت

سلیمان قاسمیانی: نگرش منصور

حکمت به کودکان

شعر خوانی: مصلح ریپوار

نمایش تصاویر منتخب با اسلاید و

نواختن چند قطعه موزیک

کلن: شنبه ۵ ژوئن

خانه حزب کلن در بزرگداشت یک

زندگی پربار

اسلو: شنبه ۵ ژوئن

سخنرانی: ناصر مرادی، منصور

حکمت و قیام مردمی

استکهلم: یکشنبه ۶ ماه ژوئن

سخنرانی

فاتح شیخ: منصور حکمت و نقد نظری

و سبک کاری کمونیسم بورژوازی

شمال علی: آزادی از نگاه حکمت

رحمان حسین زاده: تزهای پلایه ای

کمونیسم کارگری منصور حکمت

هلسینکی: یکشنبه ۶ ژوئن

سخنرانی: اسماعیل ویسی: آیا در افکار

منصور حکمت گسستی وجود دارد؟

تریون آزاد " باز گوئی تاثیرات

منصور حکمت درپراتیک سیاسی "

شرکت کنندگان

نمایش فیلم ویدئویی " منصور حکمت

" در کردستان

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

جنبش بورژوا- لیبرال ایران ...

متوهم به این جنبش بورژوائی وجود دارد و هنوز امید دارد که این بخش از بورژوازی ایران یا این جنبش لیبرالی میتواند خلاصی فرهنگی و یا آزادی و رفاه را تأمین کند. واقعیت این است که بخش زیادی از جوانان "انقلابی" و زنان "انقلابی" ای که از از عقب ماندگی فرهنگی و تبعیض و آپارتاید جنسی به خرخره شان رسیده است به این "امامزاده سبز" دخیل بستند. سوال این است که آیا یکسال گذشته تجربه و درس لازم را به آنها داده است یا نه. به آنها نشان داده است که این جنبش ربطی به آزادی خواهی و برابری طلبی ندارد؟

البته باید توجه کرد که خود توده بورژوازی پشت این جنبش لیبرالی در امروز ایران توده وسیعی است و بخش زیادی از خرده بورژوازی را دنبال خودش کشیده است. در نتیجه روی پای خود میتواند جمعیت زیادی را جمع کند. این توده می تواند دوباره به خیابان بیایند، اظهار وجود کنند، فشار را زیاد کنند و بخواهند آوانس بگیرند.

سالگرد انتخابات رئیس جمهوری و تحرکاتی که حول آن شکل گرفت باید نگاه کرد و دید که بخش های دیگر جامعه، که میتوانند در مبارزه برای آزادی و برابری به جنبش طبقه کارگر به پیوندند چقدر از این جنبش بورژوازی ایران فاصله گرفته اند. چقدر توهم آنها شکسته شده است چقدر نقد و روشنگری کمونیست هائی مانند ما تأثیر گذاشته است. و توانسته ایم که طبقه کارگر، زحمتکشان جامعه و توده جوانان و زنان انقلابی را قانع کنیم که نباید به جنگی بروند که جنگ آنها نیست؟

راديو پرتو: چند ماه قبل صحبت از شکست کامل جنبش سبز می شد از زبان رهبران خود جنبش سبز یا اپوزیسیون و جریاناتی که دنبال آنها رفته بودند شنیده می شد. اما الان مسأله کمی متفاوت است، در این مدت به نظر می رسد که بازبینی ها شده و می گویند که پختگی بوجود آمده است. تا آنجا که به خود این جریانات بر می گردند. اجازه دهید نگاهی به هر یک از این جریانات داشته باشیم. تا جایی که به موسوی و رهبران رسمی تر جنبش سبز مربوط می شود گفته می شود که اینها رادیکالتر شده اند تا جایی که برای مثال در مورد اول ماه مه به کارگران توجه نشان دادند، اعدام های کردستان (فرزند کماتر و ...) را تا حدودی و نه رادیکال شدن آن. این رادیکالیسم محکوم کردند، "ایستادگی" کردند و سازشکاری گذشته خودشان را اصلاح

کرده اند. فکر نمی کنید الان جریانی دیده می شود که آن پاس و سرشکستگی را جبران کرده باشد و قامتی داشته باشد که ابراز وجود کند؟

کوروش مدرسی: من رادیکالیسمی در این تغییراتی که شما اشاره کردید نمی بینم. این را باید تأکید کنم که شخصاً هیچگاه نگفته ام سبز و جنبش بورژوازی لیبرال ایران شکست کامل خورده است و یا از بین رفته است. در یک نبرد باختند اما جنگ هنوز ادامه دارد و به اعتقاد من ادامه خواهد داشت. همزاد نظام سرمایه داری در ایران است. اینها در یک نبرد شکست خوردند. اما از لحاظ جنبشی و طبقاتی باقی است. به لحاظ خطی، بخصوص با طیف چپی که از خود اینها دایره و تنبک بزرگتری برای تقدیس این جنبش به دست گرفته است و کمر بسته تا طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه را به این جنبش جلب کند، این جنبش جای پای محکمی دارد.

تغییراتی که شما به آن اشاره کردید هیچ رادیکالیسمی را نمایندگی نمیکند. تغییر در تاکتیک برای تجدید قوا است. اما اولاً اعدام فرزاد کماتر را محکوم نکردند. گفتند معلوم نیست برای چی اعدام شده است. ثانیاً بحث در مورد طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه و اول مه یک تاکتیک است. بورژوازی لیبرال ایران و جنبش آن، در جدال قبلی، متوجه شدند که بخش وسیعی از طبقه کارگر و زحمتکش به هر دلیلی یا جنبش طرف مقابل پاسیو شدند، توسط قدرت دولتی مرعوب شدند و بیشتر اینکه جنبش بورژوازی لیبرال ایران آنقدر ماهیتاً ضد کارگری است که نتوانست هیچ جنبه جذابی برای کارگر و زحمتکش جامعه از خود نشان دهد. من نخوانده ام و به خاطر ندارم که هیچ گاه جنبش اعتراض عمومی در ایران اینقدر بالا شهری - پایین شهری شده باشد.

بعد از شکست اینها نشستند و جمع بندی کردند و تلاش دارند دوباره صفوف شان را آرایش بدهند و بسیار طبیعی است که این کار را بکنند. تمام این طیف از داریوش همایون و گنجی تا موسوی و کروی و راه توده و از اکثریت تا حزب کمونیست کارگری ایران در این ارزیابی به یک نتیجه واحد رسیدند. سبز طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه را پشت خود نداشت. باید این بخش جامعه را از جناح مقابل به خود جلب کند. این تغییر تاکتیک در چارچوب همان جنبش است و نه رادیکال شدن آن. این رادیکالیسم نیست، شاید جدیدی است و چپی که خواهد در این شیدای شرکت کند از

خود شاید بنتر است. جدال این است که نگذاریم طبقه کارگر و کمونیست ها فریب این تاکتیک جدید را بخورند. مگر احمدی نژاد و جناح مقابل بورژوازی ایران کم حرف از ضدیت با سرمایه داری و طرفداری از فقرا و زحمتکشان می زند؟ این هم برای آنها تاکتیک است. پوپولیسم کلا تاکتیک بورژوازی است و مطلقاً علامت رادیکالیسم نیست. امروز هر دو بخش بورژوازی ایران این تاکتیک را پیش گرفته اند. طبقه ما اگر آگاه باشد می گوید "خیلی ممنون" از دست تکان دادن تان اما من جنبش خوم را دارم. شما بروید کار خونتان را بکنید.

راديو پرتو: تا جایی که به جریاناتی مربوط است که شما از آنها اسم بردید، جریاناتی که به اسم انقلاب و جنبش اعتراضی معرفی می کردند به نظر می رسد که این تحول در چند ماه اخیر پختگی یا تجدید نظر یا بازبینی معنی شده باشد که مرزبندی ظاهراً روشنتری دارند با موسوی یا کروی، با این عنوان که به اینها نباید امیدی بست و انتقادات بیشتری را نسبت به آنها دارند بدون اینکه به سیاست های گذشته خود انتقادی داشته باشند. بهرحال بنظر می رسد که این بخش روشنتر علیه جنبش سبز رسمی به رهبری موسوی و کروی اظهار نظر می کنند. این مسأله پیشروی در این کنشکشان ها نیست؟

کوروش مدرسی: این فاصله گرفتن از موسوی و کروی هم علامت پیشروی یا رادیکالیسم نیست. این فاصله گرفتن و نزدیکی و نوری درون یک جنبش است. این دعوی درون یک اردوگاه است. در میان سبز از اول خیلی ها می گفتند که موسوی و کروی نماینده ما نیستند. لیبرالیسم بورژوازی ایران هم جناح های مختلف دارد. امروز جناح تندتر همان جنبش با صدای بلندتری دارد حرف میزند.

اختلاف ما با جنبش جاری و یا سبز صرفاً این نبود که چرا پشت سر موسوی و کروی و یا سران جمهوری اسلامی است. اختلاف ما بر سر ماهیت طبقاتی و جنبشی این حرکت است. اختلاف ما بر سر تبیین این بود و هست که جنبشی که به آن انقلاب و جاری، سبز و یا سرنوینی و غیره می گویند چه خواسته هایی دارد، مضمون طبقاتی آن چیست و چه ربطی به منفعت طبقه کارگر دارد؟ اگر کسی بخواهد برای طبقه ی کارگر این را توضیح دهد باید پیروزی این جنبش را معنی کند و بالاخره بگوید این جنبش به لحاظ طبقاتی چیست. یک جنبش سوسیالیستی است؟ جنبشی بدون مضمون طبقاتی است؟ جنبش کدام طبقه است و منافع

دارند. همانطور که سبز

کدام طبقه را منعکس می کند؟ اختلاف ما از اینجا شروع می شود نه فقط از اینکه کروی و موسوی نخست وزیر یا در دستگاه بوده اند و جنایت کرده اند. اگر جنبش بورژوا- لیبرال ایران اینها را کنار بگذارد و کسانی را بیورد که "هیچ جنایتی" نکرده اند اما مشکل ما و مشکل طبقه کارگر سرجای اش باقی است. اینها دعوای درون خانوادگی یک جنبش است و طبقه ی کارگر باید به سینه راست و چپ این جنبش دست رد بزند. و بگوید این جنبش بورژوازی لیبرال ایران است و ماهیتاً و عمیقاً ضد کارگر است

و در سرکوب آتی طبقه ی کارگر اگر از جناح حاکم تند تر نباشد شل تر نیست.

کارگر چرا برود به خاطر اینها سیلی بخورد یا از کار اخراج شود، زندانی شود و به اصطلاح از نان خوردن بیفتد؟ رفتن موسوی و کروی ماهیت این جنبش را برای ما تغییر نمیدهد. فاصله گرفتن از امثال موسوی و کروی هنوز چیزی در رابطه این جنبش با طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه را تغییر نمیدهد. این دعوا، دعوی طبقه بورژوازی ایران بر سر تقسیم دسترنج طبقه کارگر ایران است و نه منفعت طبقه کارگر را نمایندگی می کند و نه در باره آزادی و برابری، راهی زن یا راهی فرهنگی است.

راديو پرتو: الان که به سالگرد ۲۲ خرداد نزدیک می شویم، یک طرف حساب در ماجرای نو خرداد و سبزها پیدا شده است و بیشتر از هر کسی سینه چاک کرده است. اروپا، میدیای غربی و نول غربی هستند که بیش از هر کسی به سبز معطوف شده اند. برای مثال روز گذشته در همین پارلمان اروپا در مقابل وزیر خارجه ایران یک اکشن سیاسی بر پا کردند و به نظر می رسد بازار گرمتری حول این ماجرا بوجود می آورند. مسأله تحریم اقتصادی ایران هم دارد از این زاویه مطرح می شود. شما فکر می کنید اینها می توانند بازار این ماجرا را گرمتر کنند؟ اینها چه اهدافی را تعقیب می کنند؟

کوروش مدرسی: ببینید دیپلماسی را نباید با اهداف جنبش ها در ایران قاطی کرد. اهداف دیپلماتیک و استراتژیک اروپا و کشورهای غربی یک چیز است و اینکه پشت این جناح یا آن یکی می روند چیز دیگری است. اینها می خواهند با جمهوری اسلامی به توافق برسند و به تناسبی از قوا برسند و در نتیجه هر کدام تاکتیک خودشان را دارند. همانطور که سبز

جنبش بورژوا - لیبرال ایران ...

می رود دنبال کارگر، اینها هم می رود دنبال سبز. تاکتیک است. به این چراغ سبز نشان می دهد تا با آن یکی معامله کنند.

البته سبز متحین خودش را در اردوگاه غرب دارد. متحین اش آن بخش از بورژوازی جهانی است که در تقسیم مجدد دنیا بیشتر جلوی روسیه و چین قرار میگیرد. دعوی آنها بر سر تقسیم دنیا است در نتیجه تاکتیک های خود را دارند. غرب تا جایی که مجال داشته باشد پشت سبز می ماند اما در نهایت باید با دولت حاکم در جمهوری اسلامی معامله کند. یک جا سبز را هم می فروشد. نباید چیز زیادی را بار این تاکتیک ها کرد و بخصوص مردم انقلابی در ایران را به آن دلخوش یا متوهم کرد و یا دریچه امیدی را به آنها نشان داد.

در دوره ای بورژوازی پرور غرب ایران به امید اینکه بوش نجاتشان می دهد مردم را به خاک سپاه نشاند و این دوره نباید بگذاریم نسخه دیگری از آن تکرار شود. منفعت اینها در مقابل آزادی و برابری است. در نهایت از کسی دفاع میکنند که کاندید بهتری برای سرکوب و استثمار طبقه کارگر در ایران است.

رادیو پرتو: می رسم به جناح حاکم احمدی نژاد یا جناحی که در مقابل حرکت جنبش سبز ایستاده بودند. با اعدامها و سرکوبهای گسترده الان قدر قدرتی بیشتری در سرکوب جامعه نشان می دهند. فکر می کنید این قدر قدرتی تا کجا می تواند برد داشته باشد و چه تأثیری روی اعتراضات و مبارزات طبقه کارگر و مردم زحمتکش داشته است؟

کوروش مدرسی: روشن است که ارباب مردم را می ترسانند. معنی ارباب همین است. اما قدرت ارباب متناسب با درجه پراکندگی و ضعف در طبقه کارگر است. ارباب جایی خنثی میشود که صف مقابل بتواند محکم بایستد. در مقابل این ارباب صف

طبقه کارگر و بخش های مختلف جامعه هستند که باید متحد و متشکل باشد و بتوانند این ارباب را پس بزنند. و گرنه ارباب حاکم میشود. در نهایت درجه اتحاد و مقاومت این صف است که درجه ارباب را نشان میدهد. اگر جلوی آن گرفته نشود جریان حاکم حدی برای آن قائل نیست. اینها کمترین عنصر بورژوازی ایران هستند که به قدرت رسیده اند. کسی که با تیپ اینها آشنا باشد می فهمد که اینها از هیچ چیزی پرهیز نمی کنند و تیپ آدمهایی که سر کار آمده اند تیپ خرده بورژواهایی هستند که وقتی خود را صاحب حق بدانند از هر تل جنازه ای عبور میکنند و سر هر کسی را که بخواهند می برند. اگر امروز این کار را در تمام ابعاد آن انجام نمیدهند نه از روی اخلاق است و نه از روی اینتولوژی. میترسند.

رادیو پرتو: واقعیت سرسخت جامعه ایران پابرجاست استثمار، فقر، گرانی، بیکاری و فضایی که بر کارخانه ها حاکم است و کارگرانی که بیکار می شوند. همه ی این شرایط شدت بیشتری پیدا کرده است. از همین حالا مسأله قطع سوبسیدها قوز بالا قوز شده و سرکوبی که در فضاهای کارگری و اعتراض جریان دارد. در مورد ماه مه دبیم که چگونه بود و سرنوشتی که اسالو و سایر زندانیان سیاسی پیدا کرده اند همه شاهد آن هستیم. در شهریور ماه گذشته حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در سند آنچه باید آموخت اعلام کرد که این جنبش شکست خورده است و اینکه توانستند بخشی از مردم متوهم را دنبال خود ببرند و به عنوان سؤال آخر می خواستم مطرح کنم در این چند ماهی که گذشته چقدر جنبش اعتراضی طبقه کارگر توانسته از زیر بار این توهماتی که به آن دامن زدند یا فضای بوجود آمده خودش را خلاص کند و گامی دیگر به سمت مبارزه طبقاتی مستقل خود به جلو ببرد؟

کوروش مدرسی: بنظرم قدمهایی را برداشته است. در اتفاقات حول اول ماه مه شاهد بودیم که در خار زار طبقاتی

که در جامعه علیه طبقه کارگر وجود دارد غنچه هایی از یک گل جدید شکفته است. همینقدر. اما هنوز جمهوری اسلامی و کل طبقه بورژوا با تمام قدرتش تلاش می کند که نگذارد طبقه کارگر متحد و آگاه شود. شب و روز خرافه و دروغ - چه سیاسی، چه مذهبی، چه اخلاقی و چه اینتولوژیک به جامعه تزریق می کنند و سرکوب و ترس از گرسنگی و بیکاری را بالای سر طبقه کارگر نگاه میدارند.

امروز سرکوب در محیط های کار شدیدتر شده است. ما همان وقت که جنبش سبز شروع شد گفتیم که توهم مردم انقلابی و بردن آنها به جنگی که هنوز برایش آماده نیستند آخر سر بار فضای اختتاقی را بوجود می آورد که حاصل آن بیش از هر کس بر سر طبقه کارگر خراب می شود.

بخش اعظم بورژوازی ای که در این نبرد شکست خورد هنوز خانه و ماشین و کارخانه و شرکتش را دارد. هنوز سفرش شمال و خارج اش را میکند و هنوز به همه چیز دسترسی دارد. در زندگی شخصی اش مقداری محدود شده. اما کارگری که در یک چنین حرکتی شکست بخورد به خاک سپاه نشاند میشود و به احتمال زیاد خود و خانواده اش تمام هست و نیست خود را از دست خواهد داد. این تفاوت موقعیت بورژوا و کارگر در نبرد های سیاسی و اجتماعی است.

تغییرات از زمان انتشار "آنچه باید آموخت" محسوس است اما، به اعتقاد من هنوز خیلی ضعیف و نطفه ای است. همین قدر تغییر هم به همت فعالین آگاه طبقه کارگر بوجود آمد که در مقابل بزرگترین و قدرتمند ترین جنبش بورژوازی ایران پرچم طبقه کارگر را بر افراشتند و تلاش کردند تا کل فریب و خرافه ای که از جانب چپ و راست در جامعه تزریق میشود را خنثی کنند. طبقه کارگر آگاه تر و متحد تری را از دل این ماجرا بیرون بیاورند و به نظر من به درجه ای ما موفق بودیم. اما این موفقیت هنوز بسیار نطفه

ای و شکننده است. اولین قدمها و اولین شکوفه هایش را نشان داده. اما بالقوه قادر به گسترش وسیع هست. این گسترش بستگی به قابلیت همه ما در مقابل بورژوازی دارد. قدرت مقابلیه و حتی قدرت مقاومت تشکل های های توده ای در مقابل بورژوازی هم بسته به این است که چقدر صف کارگران و کمونیستها آگاه، متحد، متشکل و بهم پیوسته است. این آن چیزی است که ما به آن تحزب کمونیستی می گوئیم. این تعیین کننده است. بهرحال جنگ هنوز ادامه دارد. در این دوره، از نظر سیاسی، عروج جنبش سبز به ضرر طبقه کارگر تمام شد. اما فعالیت کمونیست های طبقه کارگر دستاورد اش این بود که بخشی از طبقه کارگر متوجه شد که بخش زیادی از کسانی که به خود چپ می گویند چیزی غیر از مدل غیرمذهبی همان بورژوازی لیبرال ایران نیستند.

رادیو پرتو: خیلی خلاصه یک سال بعدتر، بازم یک تظاهرات در فاصله میدان امام حسین تا آزادیو باز هم رهبران جنبش سبز. نباید کارگران و مردم آزابخواه در آن شرکت کنند؟

کوروش مدرسی: ببینید، اگر کسی منفعت خودش را در آن می بیند برود شرکت کند حتما شرکت میکند. من هم مخالف نیستم به جای احمدی نژاد موسوی یا کسی دیگر رئیس جمهور شود. اما کسی که می خواهد برای آزادی مبارزه کند جایش در صف این دعوا نیست.

گفتم توده بورژوازی ایران که لیبرالیسم اقتصادی را به نفع خود میداند وسیع است و روی پای خودش میتواند توده وسیعی را به میدان بکشد. این توده به نصیحت من و شما هیچ احتیاجی ندارد. خودش در تشخیص منفعت خود عاقل تر از ماست. لایذ تعدادی در مراسم های سالروز ۲۲ خرداد شرکت می کنند. امینوارم در این صف از کارگر و زحمتکش و جوان و زن انقلابی خبری نباشد.

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید



برنامه های رادیو پرتو، جمعه ۱۴ خرداد چهارم ژوئن

http://www.radiopartow.com

جنایت تازه اسرائیل، تحولات بزرگ منطقه ای: گفتگو با فتح شیخ

سالگرد انتخابات ریاست جمهوری و تحولات سبز در فضای سیاسی ایران:

گفتگو با کورش مدرسی

شکنجه و ترور علیه اسانلو در زندان اوین: گفتگو با خالد حاج محمدی

دور جدید حمله جمهوری اسلامی به زنان: گفتگو با ثریا شهبازی

برنامه آموزشی: بازخوانی کتاب کاپیتال، نوشته کارل مارکس. سخنرانی

منصور حکمت در انجمن مارکس - قسمت دوم

زنده باد سوسیالیسم